

جلسه

یکصد و شصت و نهم
صورت مشروح مجلس
پنجشنبه سی و یکم
اردیبهشت ۱۳۰۴ مطابق
بیست و هفتم شوال
۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل گردید (صورت مجلس سه شنبه بیست و نهم اردیبهشت را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند) رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - عرض قبل از دستور است .

رئیس - آقای عظیمی (اجازه)

آقای میرزا باقر خان عظیمی - بنده را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده اجازه گرفته بودم .

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود اگر اشتباهی شده باشد اصلاح می شود .

رئیس - آقای کارزونی (اجازه)

کارزونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - در جلسه قبل بنده تقاضا کرده بودم لایحه الغاء منع صدور پوست بره جزء دستور شود و مانعی نداشت که در صورت جلسه به آن اشاره شود .

رئیس - پیش نهادی نداده بودید . صورت مجلس ایرادی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - البته خاطر آقایان مسبوق است که راجع بخط واکن شهری بنده درجندی قبل از آقای وزیر فواید عامه سوالی کرده بودم و ایشان هم جوابی دادند .

حالا منی خواهم آن سوال و جواب را عرض کنم زیرا گذاشته است حاصل جوابی که بنده دادند این بود که بر حسب مواد امتیازنامه نمی شود صحبت کرد .

بعد بنده آن امتیازنامه را خواندم و از

روی ماده اول آن يك سوالی کردم و برای جواب هم حاضر شدند نهایت در آخر مجلس بود و مجلس از اکثریت افتاد و ماند برای جلسه بعد .

مطلب اولی که می خواستم عرض کنم این بود که بایستی بکمیانی ترا موای تند کر بدهند

تقریباً تند کر هم داده اند .

خواستم به بنیم علت اینکه خیابان اسمعیل بزاز را خط آهن نمی کشند چیست ؟

از مقام محترم ریاست تقاضا میکنم تند کر بدهند که برای جواب حاضر شوند .

این يك موضوع . موضوع دیگر راجع به سوالیست که هموماً از آقایان وزراء خاصه از آقای وزیر مالیه می شود .

در کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی مخصوصاً مدت سوال را در نظامنامه ذکر کردیم که آقایان وزراء جواب سوال و کلا را در يك مدت معینی بدهند .

گرچه جوابهایی که آقایان وزراء یا معاونین میدهند بطور متحد المال است که هنوز تحقیق نشده .

پس از تحقیق جواب عرض خواهد شد .

با اینکه جواب میدهند هنوز در این باب اطلاعی نرسیده .

ولی با این حال سوال برای و کلا يك دلخوشی است که به موکلین خودشان می گویند در فلان موضوع سوال شد و اینطور جواب دادند و مخصوصاً در کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی پیش بینی کردیم که وزراء بیش ازده روز نمی توانند جواب سوال را طول بدهند .

ولی هنوز خبر آن تهیه نشده .

حالا از مجلس بگذرد یا نگذرد کار ندارم .

اساساً خواستم عرض کنم که خوب است آقایان وزراء تذکر داده شود

پیش از این به سوالات نمایندگان وقع بگذارند .

حاضر شوند جواب سوال را بدهند .

معاون وزارت داخله - این اواخر در جواب سوال یکی از نمایندگان محترم راجع به حوادثی که در صفحات ترکمان اتفاق افتاده بود مختصری عرض کردم و همه دادم که نتیجه اقدامات دولت را با اطلاع آقایان نمایندگان محترم رسانم .

حالا خوشوقتیم از اینکه عرض کنم اقدامات اولیه که از طرف دولت شده به نتایج رضایت بخشی منتهی شده است .

اگرچه هنوز قوای اعزامی و وسائلی که تهیه شده است به مراکز خودش نرسیده است و در آن نقاطیکه باید قوا تجمع پیدا کند هنوز کاملاً جمع پیدا نکرده است .

ولی با همان وسائل موجود که در آن نقاط بود اقدامات شده و نتایج رضایت بخشی گرفته شده است و امیدواری کامل می رود که انشاء الله بزودی بکلی قلع ماده اشرار

بشود . در خطوط بجنورد و خطوط استرآباد تا سواحل مازندران که اشرار حرکت کرده بودند و به حالت تعرض پیش می آمدند در همه جا دفع شده اند .

یعنی عقب نشاندن شده اند ولی البته برای تعقیب آنها و برای اینکه کاملاً به مجازات برسند و قلع و قمع شوند چند می دیگر وقت لازم است که قوای اعزامی و وسائلی که تهیه شده به محل خودش برسد و نتیجه که منتظر هستیم حاصل شود .

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم .

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت می شود .

(بشرح آتی خوانده شد)

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنم - که لایحه الغاء منع صدور پوست بره جزء دستور شود .

دراول این جلسه : سید محمد سلطانی ، حاج میرزا علی رضا ، شیروانی ، حاج میرزا محمد رضای رفیعی - ذوالقدر .

رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - این لایحه يك ماده بیشتر باقی مانده و بنده تصور نمی کنم محتاج به مذاکرات زیادی باشد .

چند دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد . چون قانون انحصار قند و شکر به این زودی تمام نمی شود .

خوب است این يك ماده تصویب شود بعد داخل در لایحه انحصار قند و شکر شویم .

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده هیچ میل ندارم با پیشنهاد آقایان مخالفت کرده باشم ولی تمنی دارم آقایان این پیشنهاد خودشان را امروز مسترد فرمایند و نگذارند برای فردا .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

سلطانی - پس میگیریم .

رئیس - تمام امضاء کنندگان پس میگیرند ؟

(گفتند - بلی)

رئیس - لایحه انحصار قند و شکر و چای از ماده اول مطرح است .

(ماده اول بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول - خرید و فروش و حمل و نقل و صدور کلیه قند و شکر و چای که وارد خاک ایران می شود منحصراً بدولت است .

این انحصار موسوم به (انحصار دولتی قند و چای) بوده و به هیچ کس و به هیچ شرکتی انتقال داده نخواهد شد .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده موقعی که در کلیات مذاکره بود مختصراً معایب این قانون را به عرض آقایان رساندم و چون نمیخواهم وقت

مجلس زیاد صرف شود (چون کارهای مهمی در مجلس هست) مختصر آعرض می کنم در ماده اول که نوشته شده است :

خرید و فروش قند و چای و شکر منحصراً بدولت باشد . کاملاً نظر دولت را تأمین میکند و محظوری هم ندارد .

ولی انحصار حمل و نقل و صدور بنده نمی دایم چه مناسبت دارد ؟

بعقبند بنده این مسئله بضرر دولت است .

ما در موضوع ترنك امتحان کردیم که انحصار حمل و نقلش بدولت چه اشکالاتی برای تجار فراهم کرد و يك منفعت متمتایی هم برای دولت نداشت و وقتی نفع دولت را بهلوی ضرر تجار بگذاریم می بینیم خیلی قلیل است .

و همچنین کلمه صدور را که اینجا اضافه کرده اند منافعی با ماده پنج است .

ماده پنجم می نویسد :

قند و شکر و چای که بطور ترانزیت از خاک ایران به مملکت دیگر عبور مینماید مشمول مقررات این قانون نخواهد بود .

ما خودمان که در داخله قند سازی و شکر سازی نداریم هر وقت پیدا کردیم قانون برایش می نویسیم .

قند و شکری که از خارج وارد میشود همانرا صادر میکنند .

در اینصورت کلمه صدور را اینجا اضافه کردن معنی ندارد .

ممکن است تجار از راه دزد آقند و شکری وارد کنند و بافغانستان حمل نمایند و در صورتیکه ماده پنج صدور را آزاد کرده دیگر کلمه صدور این جا معنی ندارد و بنده این کلمه را مضر می دانم و از اینجهت عقیده دارم ماده اول با حذف این سه کلمه :

« حمل و نقل و صدور »

نظر دولت را تأمین میکند ضرری هم نخواهد داشت .

رئیس - آقای فرهمند (اجازه)

فرهمند - بنده تصور میکنم وقتی که ما بدولت قانوناً اجازه خرید و فروش را می دهیم باید در نظر بگیریم که شاید دولت در يك مواقعی مجبور شود که حمل و نقل را هم خودش انجام دهد و اگر در این ماده قید نکنیم ممکن است دولت دچار اشکال شود .

ما باید برای دولت يك میدان وسیعی فراهم کنیم که بخوبی بتواند این قانون را بموقع اجراء بگذارد و وقتی که ما این میدان وسیع را بدست دولت دادیم هر وقت دولت مقتضی دانست حمل و نقل را بتجار واگذار میکند .

بنده تصور میکنم این انحصار حمل

و نقل بدولت هیچ ضرری نخواهد داشت بلکه يك آزادی بدولت می دهد که بهتر بتواند مقصود خود را انجام دهد رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - در جمله قبل بنده نظریات خود را عرض کردم که من اصولاً موافقم که برای تأسیس راه آهن این مالیات بلکه بیشتر از این مالیات هم وضع شود.

این عقیده بنده است و یکمقیده فوق - العاده ثابت و رسمی است ولی مخالفت بنده با طرز اجرای قانون است.

در جلسه گذشته آیاره مطالب را عرض کرده و حتی الامکان نمیخواهم تکرار کرده باشم این جا در این ماده مینویسد - خرید و فروش و حمل و نقل و صدور منحصر بدولت است خوب خرید و فروش و ورود قند و چای و شکر باید با دولت باشد

در این تردیدی نیست اما حمل و نقلش را یعنی فرضاً یکی از بنادر بداخله ایران دولت متصدی حمل و نقلش بشود بنده در تحت هر عنوانی باین اصل مخالفم دولت نباید متصدی حمل و نقل شود

یعنی از بوشهر حمل کند بیاورد بطهران و با اضافه کرایه بفروشد خوب نیست آقای وزیر در جلسه قبل يك توضیحاتی دادند که آن توضیحات رضایت بخش بود لکن نمی توان آن توضیحات را در این قانون ضمیمه کرد

و به منزله تفسیر قانون قرارداد به علاوه بنده اگر مطمئن بودم که حکومت حاضر تاده سال دیگر بهمین حال حاضر برقرار خواهد بود باز هم این عرض را نمی کردم و در مواقع لازمه خدمتشان میرسیم و توضیحاتی را که در مجلس دادند تذکر می دادم

ما بایستی هر نظریه داریم در این قانون بگنجانیم که حسن استفاده و سوء استفاده از همین قانون بشود

تمام منظور بنده این است و عقیده بنده این است که تمام منظوری که داریم در تحت يك عبارتی در همین قانون اضافه کنیم

عقیده بنده این است که حمل و نقل در این جا مورد ندارد و همین طور کلمه صدور اگر مقصود این است که يك کسی قند وارد می کند

با دانه انحصاری قند و شکر دولتی ببرد و مالیات انحصاریش را بدهد به خارج کند این هیبی ندارد

ولی کلمه صدور این معنی را نمی رساند و اگر هم مقصود ترانزیت است که ماده

مخصوصی دارد و آزاد است پس به عقیده بنده باید کلمه صدور را برداشت و يك چیزی بجایش نوشت که این معنی را برساند

يكی دیگر از چیزهایی که باعث شده است - بنده در تحت عنوان مخالفت خسارت نمایم این است که در خصوص مهاکمه قاچاقچی یا منعم بقاچاق این جا يك اصلی قائل شده اند.

که نه تنها در قوانین موجوده خود اینست بلکه در هیچ يك از قوانین موجوده دنیا هم چنین اصلی ندارد بنده نمیدانم این اصل متخذه از کجا است

دیروز بود (هنوز فراموش نکرده ایم) يك قانونی برای توتون و تنباکوازی بنده مجلس گذرانیدیم و بعد از مذاکرات زیاد برای مهاکمه متهمین با توافق نظر دولت يك ترتیبی معین کردیم

آن قانون و این هر دو راجع بایران و در خصوص يك مسئله است آنوقت در دو قانون که هر دو برای يك مملکت نوشته می شود در هر کدام برای قاچاقچی يك نوع مجازات معین کردن این خوش نما نیست ؟

بنده عقیده ام این است همان ماده که برای مجازات قاچاقچی در قانون دغانیات نوشته شده است همان را در این جا هم بنویسند که دیگر يك مذاکرات جدیدی و يك کشمکش های تازه پیش نیاید

يك چیز دیگر را هم لازم است تذکر بدهم و آن در خصوص پولی است که از این محل گرفته می شود

ما هر وقت جوش و خروشی داریم باید در این جا مبول کنیم

باز هم با آقایان عرض میکنیم ما قانون از نقطه نظر خوش بینی نباید وضع کنیم قانون را باید طوری وضع کنیم که اگر يك حده خواستند با آن مخالفت کنند نتوانند یعنی خود قانون مانع از تخلف آنها باشد والا مردمان درست کار و صحیح العمل اخلاقی قانون لازم ندارند

پس ما باید یا نهایت دقت تمام طرق احتمالات را مسدود کنیم که مبادا خدای نخواستہ فردا اسباب ندامت شود ندامت یعنی چه ؟

یعنی بولها اینکه از این راه گرفته می شود

خدای نخواستہ از بین برود یا در راه های دیگر خرج شود

خبر این را هم بنده اهمیت نمی دهم ولی در دنیا رسوا می شویم

که تا این اندازه هم اقدام کردیم مملکت موفق نشدیم و این خیلی بد است و بعقیده

بنده باید اینجاذ کر کرد که این پول در بانک سرمایه هنگفتی دارد و دولت هم به آن مقروض است وارد شود

وقتیکه در سال چهار میلیون پول که يك سرمایه هنگفت معتنی همی است داخل آن بانک شود و از آن خارج شود ما میتوانیم با آن پول مسئله صرافی تمام ایران را اداره کنیم بدون اینکه در تادیبه و جوی که برای مصارف راه آهن لازم است قصور یافتوری وارد شود

بواسطه اینکه این پول متمرکز صادر وارد می شود و بولمان هم تامین شده و بکارمان هم پرداخته ایم و برای بانک ملی هم يك نفر متخصص آمریکائی می آوردم که آن را اداره کند

مخبر - اگر چه معنای آقای کازرونی بیش از بنده باین قانون موافق بودند ولی يك اعتراضات کوچکی نسبت بن لایحه داشتند که تمام آنها در کمیسیون هم مذاکره شده و بایشان اطمینان می دهم که هیچ نوع تزلزل خاطرئی نداشته باشد - مخصوصاً این قسمت اخیری که راجع ببانک ملی فرمودند در کمیسیون همین مسئله از طرف آقای رئیس الوزرا اظهار شد و مقصود ایشان هم عین مکتون خاطر آقای کازرونی است

پس از این جهت خیالشان راحت باشد اما راجع بحمل و نقل اگر فرمودند البته تصدیق می فرمایند که مسئله قند و چای با تنباکو و توتون تفاوت دارد و اگر بنا باشد حمل و نقل قند و شکر منحصر بدولت نباشد آن طوری که باید از قاچاقچان جلوگیری بشود نمی شود

باین جهت است که باید حمل و نقل هم منحصر بدولت باشد ولی هر وقت که دولت مقتضی دانست بدیگران هم اجازه می دهد

از این حیث هم هیچ نگران نباشید اما راجع بصدور که فرمودند البته تصدیق می فرمایند صدور و غیر از ترانزیت است در ماده پنج ترانزیت را (که جنسی از سرحدی وارد و از سرحد دیگر خارج شود) آزاد کرده اند و مخصوصاً راجع بصدور در کمیسیون مذاکرات زیادی بعمل آمد و پس از نوشتن ماده پنج تصور نمیکنم دیگر اشکالی برای آقایان باقی باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

شیروانی - بنده مخالفم رئیس- رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (جهمی برخاستند)

رئیس- تصویب نشد آقای بهجانی (اجازه)

آقای میرزا سید احمد بهجانی - البته آقایان تصدیق می فرمایند که مسئله راه -

آهن و شوسه کردن راهها یکی از چیزهایی است که علاقه مندان باین مملکت بآن علاقه مند می باشند و در اینک اگر دولت بخواهد راههایی بسازد و با احداث کند يك منابعی لازم دارد که هوایش را بصرف این کار برساند حرفی نیست

حالا بنظر دولت رسیده است منبمی که می تواند عوایدش را گرفته و صرف این کار کند انحصار قند و شکر است که عواید آن را می تواند صرف احداث خط آهن که اسباب پیشرفت روحیات مملکت است بنماید

ولی البته آقایان تصدیق می فرمایند يك چیزهایی که انسان را مجبور می کند با اقداماتی تا حدیکه انسان را مجبور میکند مجبور است عمل کند ما چه میخواهیم دولت چه می خواهد؟

دولت می خواهد يك منابعی پیدا کند و عواید آن منابع را صرف ساختن راهها نماید

این مسئله با اندازه که الزام آور است این است که حقوقی از قند و چای گرفته و باین مصرف برسد

دیگر این مسئله الزام آور است این است که حقوقی از قند و چای گرفته شود و باین مصرف برسد دیگر این مسئله الزام نمی کند که يك فشارهایی بر مردم و دهندگان این مالیات وارد آید

این ماده اول انحصار می دهد تجارت قند و چای و شکر و حمل و نقل و صدور آن را بدولت

گذشته از آنکه ما امتحان کرده ایم که همیشه دولت در هر زراعت و تجارتی که وارد شده است ضرر کرده است دولت نمی تواند تاجر مملکت خودش بشود دولت نمی تواند زارع مملکت خودش بشود و اینجا هم دولت نمی تواند این تجارت را بکنند و بنبغ خودش تمام کند

گذشته از این يك فشاری از این راه ب مردم وارد می شود ولو همین قدر باشد که تاجر قند یا اشخاصی که میخواهند از این راه کسب کنند بروند و اجازه بگیرند

گذشته از این اشخاصیکه پشت يك میزهای می نشینند برای صادر کردن اجازه نامه و ترتیب دادن يك اوری برای عامه اغلب آنها از قانون سوء استفاده میکنند و سوء استفاده آنها راجع ب مردم است - مخصوصاً که يك ماده هم در این قانون هست میگوید: بیش از احتیاج مملکت را دولت حق دارد منع کند و بنده تصور میکنم علاوه بر اینکه این ماده فلسفه ندارد يك فشار فوق العاده برای مردم تولید میکند

بنده تصور میکنم مسئله انحصار بی موقع باشد

همین قدر کافی است که نوشته شود

مردم برای خرید و فروش از دولت اجازه بگیرند و برای گرفتن اجازه هم همان حقوقی که اینجا نوشته شده از آنها بگیرند .
گذشته از این اگر بنا باشد آقایان انحصار را تصویب کنند دیگر حمل و نقل مسئله انبار کردن و این گونه امور بجه مناسب اختصاص بدولت داشته باشد؟ تاجر مختار است هر طور که بخواهد مال التجاره اش را حمل و انبار کند و این مسئله باعث می شود که یک فشارهای فوق العاده بر مردم و اشخاص که میخواهند از این راه کسب کنند وارد آید .
ملکیت ماکه یک راههای کسبی ندارد وقتی که نباشد این فشارها بر مردم وارد شود یک ضررهای اقتصادی بمملکت وارد خواهد شد و گذشته از این برای آقایان نمایندگان که این را تصویب می کنند خوش آیند نیست .
وزیر فواید عامه - چه در ضمن شود در کلیات وجه در ضمن شوردر ماده اول که مجدداً مباحثات منوجه کلیات می شود تعرض میشود که چرا این مالیات بتوان مالیات انحصاری اخذ می شود در صورتی که ممکن بود از هر مقدار مال - التجاره که وارد می شود در سر حد یک حقی بگیرند و وارد کنند
بنده عرض می کنم که این عمل ساده که هر کس شاید نسیاعت فکر کنند بنظرش میرسد مشکل نیست و یک فکر خیلی مهمی هم نیست
زیرا پس از مطالبات زیاد معلوم شده که آن ترتیب عملی نبوده و در این مطالبات زیاد انبساط نتیجه گرفته شد که این آرزوی دیرینه تمام ایرانی های وطن پرست که از قندوچای و شکر مالیاتی گرفته شود صرف تأسیس خط آهن شود بر آورده نمی شود مگر به همین طریق منحصراً بر فرد که انحصار باشد .
در واقع اگر ما بخواهیم این عوائد را داشته باشیم و از آن عوائد راه بسازیم باید انحصار را قبول کنیم ولو با تمام زحماتی که فرضاً هم شاید برای مردم ایجاد شود .
در صورتیکه در جلسه گذشته در ضمن مذاکره در کلیات بنده عرض کردم که عملاً هیچ نوع زحمتی برای مردم نیست که تجارت قندو شکر و چای مثل سابق بتجارت خودشان مشغول خواهند بود و راجع بحمل و نقل شاید این انحصار فقط همین نوشته شدن روی کاغذ باشد و در عمل دولت یک سیر قند هم حمل و نقل نکند
ولی این اختیار از نقطه نظر عملی شدن این قانون لازمست - مقصود این نیست که دولت یک اداره حمل و نقلی برای قند و چای ایجاد کند
ولی وقتی که اصل انحصار را قبول کردید باید تمام فروع آن را هم قبول

میل ندامت در مجلس نسبت بتجاریک عبارات مستهزانه گفته شود
بالاخره مقصود من (بطوری که اکابر قوم فرموده اند التمدن الفاضل القائم) این است که یکی از ارکان تمدن فاضل مسئله تجارت است و رواج آن در بازار دنیا ...
تجارت - اگر تاجری باشد حاج حسن آقا خواهدش میکنم اگر حضرت عالی فرمایشی دارید بعد بفرمائید و در بین نطق بنده دخالت نفرمائید شما امتیاز (مذاکرات کافی است) را دارید .
(خنده نمایندگان)
تجارت - شما حق ندارید توهین بکنید
حاج حسن آقا شامق ندارید در بین نطق بنده صحبت کنید
راجح باین قضیه مذاکرات زیاد شده است و حالا بنده نمی خواهم زیاد عرض کنم همین قدر خاطر محترم آقایان نمایندگان را متوجه می کنم باین نکته که چندین هزار تاجر که فعلاً از این مسئله متزلزل هستند باینکه تمام مردم این مملکت حس کرده اند که شریکان هر مملکت راه است و در صورتیکه مراضی نشویم که از خراج یک کمک های مادی نسبت به ما بشود
تاجرانیم یک پولهای برای این کار تهیه کنیم و علاج منحصر بفردهم برای کشیدن راه آهن این است که اتباع داخله یک مساهدهائی بکنند چنانچه تمام تجار بدون استثناء با میل و رغبت حاضرند که این خدمت را بکنند
کما اینکه عرض هم توسط بنده بمقام ریاست مجلس شورای ملی عرض کرده اند و در آن اشعار داشته اند که حاضرند این وجه را بپردازند و امیدوارم هم هستم که دولت موفقیت کامل حاصل کند
ولی در موضوع انحصار قند و شکر استدعا کرده اند که دولت یک ترتیبی در نظر بگیرد که آنها از کار خودشان باز نمایند و فشاری هم با آنها وارد نیاید
رئیس - آقای یاسانی (اجازه)
یاسانی - بنده تصور نمیکردم بعد از سالیان دراز که خوشوقتانه موضوع خط آهن در مجلس شورای ملی مطرح میشود بر علیه او اظهاراتی بشود و یک مخالفتهائی من غیر مستقیم بعمل آید
بنده خیال میکنم آن روزی که یک عده از آقایان تجار و محترمین در خارج از مجلس جمع شدند و این پیشنهاد را تهیه کردند .
یک قدم اولیه بود که بسمت سعادت مملکت برداشته و آن روزی که دولت این پیشنهاد را مورد توجه قرارداد و آورد به مجلس

قدم دوم بود و بالاخره این قدم سوم است که ما حالا بر می داریم و انشاء الله این قدم سوم سعادت نزدیک خواهد کرد و بسایر فرمایشاتی که بعضی از آقایان میفرمایند باید دانست
که دیگر در دنیای حالیه نمی شود اشتر و قاطر و الاغ زندگانی کرد و در دنیای تمدن امروزه باید معتقد شد که زندگانی ما باید به وضع جدید ممالک متدنه در آید و این وضعیت کنونی شرب الیهودی دیگر صحیح نیست .
ما باید بوسیله خط آهن دوام اصلاح داخلی مراحل اصلاحات دیگری بشویم اعتراضات و انتقادات بعضی از آقایان بنظر بنده در مقابل این اصل مهم و مقدس که منظور تمام ایرانیهاست خیلی کوچک است و همانطور که آقای بهبهانی فرمودند بعضی از ایراداتی که بعضی از آقایان می فرمایند
راجح بعواد این قانونست نه باصل لایحه و توحشی که دارند از کلمه انحصار حمل و نقل و صدور است
و تصور نمی کنم این توحش هم مورد داشته باشد
زیرا همان طور که آقای وزیر فواید عامه فرمودند اگر چنانچه راه سهل تر و طرق بهتری بنظر میرسد تا کتون پیشنهاد شده بود و حالا هم آقایان می توانند پیش نهاداتی که بنظرشان مفید تر میرسد
که ما را زودتر به مقصد برسانند بفرمائید تا یک کمیسیون برود و در کمیسیون هم در آن پیشنهادات امعان نظر شود و برای شورنای مجلس بیاید
دوسه نفر از آقایان فرمودند انحصار حمل و نقل صحیح نیست
برای این که دولت یک اداره حمل و نقلی درست کرده و چون از آن راه ضرر کرده و فائده نبرده
از این جهت نباید دولت متعهدی حمل و نقل بشود
ولی بنده از عبارت این ماده این معنی را نمی فهمم و آقایان هم نباید این طور بفهمند
زیرا مقصود از حمل و نقل این است که در تحت نظارت دولت باشد مثلاً فلان تاجر که از طرفش تقاضا می کند از کلنگه مقداری قند و چای برای او بفرستند این قندیکه از کلنگه تا بندر بوشهر یاسانی بنادر ایران می آید
تحت نظر دولت نیست دولت نیست فقط و قتیکه بمرحله ایران رسید
دولت آن راجع نظر می گیرد یعنی بدون جواز دولت تاجر حق ندارد حق ندارد حمل کند .

وزاین لایحه هم همچو چیز مستفاد نمی شود .
منتهی گفته میشود تجاری که می - خواهد تجارت قند و شکر و چای کند باید در تحت نظر دولت و با اجازه دولت و با پرداخت آن حقوق باشد و این هیچ اشکالی ندارد و با این ترتیب آزادانه می - تواند تجارت کند نهایت برای صدورو حمل و نقل از شهری بشهری باید جواز بگیرند .
خلاصه اینکه خرید و فروش قند و شکر و چای باید با اجازه دولت باشد و چنانکه عرض شد این مسئله هیچ اشکالی ندارد و مؤسسانی هم در وزارت مالیه لازم ندارد فقط یک مؤسسه مختصری در مرکز درست میشود و امنای مالیه هم در ولایات مکلف خواهند بود اجازه بدهند این دادن اجازه سبب میشود که فایدهات دولت زودتر جمع آوری شود
یس مورد تامل (چنانچه فرمودند) برای تجار باقی نماند بود بلکه خیلی مسرور باید باشند که این لایحه بتجارت مملکت بیش از هر چیزی کمک خواهد کرد زیرا کرایه های هنگفتی را که هر روزه باهت و رشکستگی از تجار میشود از بین خواهد برد
و اسباب آبدی مملکت و توسعه تجارت خواهد بود و آقایان تجار هم باید در اقتصادات مملکت کمک کنند و از لغت انحصار هم نباید متوحش باشند و جای هیچ جای نگرانی هم نخواهد بود .
و اگر گمان دیگری به جای انحصار میتوانستیم پیدا کنیم می گذاشتیم و کلمه انحصار را بر میداشتیم .
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت
هایم - بنده اخطار نظامنامه دارم .
رئیس - بفرمائید .
هایم - آقای یاسانی در ضمن مذاکراتش یک کلمه فرمودند که به نظر بنده توهین آمیز بود و بلاواسطه مجلس مقدس جائی نیست که در آن جابخوان کلمه شرب را استعمال کرد و این کلمه به نظر بنده توهین آمیز بود .
رئیس - در این باب در نظامنامه چیزی نوشته نشده است .
یاسانی - اجازه بفرمائید .
رئیس - بفرمائید .
یاسانی - در این موضوع سوء تفاهم شده است .
بنده مقصودم اداه کلمه توهین آمیز نبود و این جمله که عرض کردم ضرب المثل شده است و الا قصد اهانتی نسبت بطائفه کلیه بیان نداشتم .
رئیس - پیشنهادها قرائت می شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد آقای دولت آبدی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱ بعد از قند و شکر (حلولیات اضافه شود و در هر مورد که قند و شکر ذکر شده باز حلولیات نوشته شود .
پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد میکنم کلمات (حمل و نقل و صدور) از ماده اول حذف شود
پیشنهاد آقای شیخ جلال - اصلاح ماده ۱ قانون انحصار قند و شکر و چای در آخر سطر اول ماده اول اضافه شود و کلمه شیرینی جات و مرباجات .
پیشنهاد آقای شوشتری - بنده پیش - نهاد میکنم در ماده ۱ بعد از کلمه هیچ شکر کتی اضافه شود چه داخله و چه خارجه .
پیشنهاد آقای رضوی - بنده پیشنهاد میکنم کلمه شیرینی و مرباجاتیکه از خارج می آید جزء ماده اول شود .
رئیس - پیشنهاد زیاد است .
اجازه بفرمائید مراجعه شود به کمیسیون قرائت شدنش غیر از اطلاق وقت چیز دیگری نیست .
جمعی از نمایندگان - صحیح است .
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده عرضی ندارم .
رئیس - ماده دوم قرائت می شود .
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - پس از تصویب این قانون دولت هم اولاً با یک اجازه حمل و نقلی میدهند بحدک اجازه فروش و خلاصه یک اجازه نامه بازمیدهد که به موجب آن اجازه نامه تمام حقوقیکه از قند و شکر و چای متعلق بدولت است منتقل خواهد شد به آن تاجر یا به آن شرکت .
ولی مادام که تاجر یا شرکت این صلیات را نکرده قهرأ به موجب ماده دوم که جنبه منفی دارد تمام مشتقات و عملیات راجع به انحصار باید محدود و معلوم باشد و اگر غیر از این باشد انحصار نخواهد بود .
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده عرض میکنم بیانات آقای وزیر فواید عامه چه در این جلسه و چه در جلسه گذشته تماماً رضایت بخش است زیرا هم مقصود من هم مقصود ایشان و هم مقصود سایر آقایان هم همین است و در این تردید نیست .
ولی بنده میخواهم عرض کنم که چنانچه سابقه داریم از قانون سوء استفاده می شود یعنی هر اندازه که توانسته باشند لفظ را بکشند .
مثل لاستیک میکشند و سوء استفاده می کنند و بشرط دولت مردم تمام میکنند بنده تصدیق دارم که خود دولت میداند حق

وزیر فواید عامه - نظر به اینکه ماده دوم ارتباط کامل باماده اول دارد یعنی ماده یک جنبه مثبت قضیه و ماده دوم جنبه منفی قضیه است لذا تمام اعتراضات و اشکالات ماده اول که جواب گفته شد در این ماده دوم هم قهرأ تکرار خواهد شد .
چنانچه در ماده یک گفته شد - آقا قصد این نیست که دولت بخواهد یک انبارهایی بسازد و قند و شکر ذخیره کند و نگاهدارد قصد این است که تمام قند و شکر انبارهایی که از این کار ناشی می شود باید با اجازه دولت باشد و بدون اجازه مالیه هیچ کساری نشود . تاجر قند انبار دارد داشته باشد .
میخواهد انبار کند بکنند فرض این است و قتیکه قند و شکر وارد سرحد شد اعم از اینکه تاجر باشد یا شرکت باشد یا کمپانی هیچ کدام فرق ندارد نباید آن حقوق که به آن قند و شکر تعلق میگیرد تأدیبه نمایند به از آنکه حقوق گمرکی دریافت شود .
مطابق این قانون جنس متعلق بدولت خواهد شد چرا ؟
برای اینکه جزو انحصار است ولی این تعلق بدولت ممکن است دو دقیقه بیشتر دوام نداشته باشد به این معنی که صاحب مال می آید بدولت می گوید شما مقصودتان از این انحصار چه بود ؟
دولت جواب میدهد من میخواستم قیمت ورودی را معین کنم و دو قران بر قند و شش قران بر قیمت جای اضافه کنم .
آن وقت آن حق را میبرد از آن نماینده دولت هم اولاً با یک اجازه حمل و نقلی میدهند بحدک اجازه فروش و خلاصه یک اجازه نامه بازمیدهد که به موجب آن اجازه نامه تمام حقوقیکه از قند و شکر و چای متعلق بدولت است منتقل خواهد شد به آن تاجر یا به آن شرکت .
ولی مادام که تاجر یا شرکت این صلیات را نکرده قهرأ به موجب ماده دوم که جنبه منفی دارد تمام مشتقات و عملیات راجع به انحصار باید محدود و معلوم باشد و اگر غیر از این باشد انحصار نخواهد بود .
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده عرض میکنم بیانات آقای وزیر فواید عامه چه در این جلسه و چه در جلسه گذشته تماماً رضایت بخش است زیرا هم مقصود من هم مقصود ایشان و هم مقصود سایر آقایان هم همین است و در این تردید نیست .
ولی بنده میخواهم عرض کنم که چنانچه سابقه داریم از قانون سوء استفاده می شود یعنی هر اندازه که توانسته باشند لفظ را بکشند .
مثل لاستیک میکشند و سوء استفاده می کنند و بشرط دولت مردم تمام میکنند بنده تصدیق دارم که خود دولت میداند حق

یکی هم راجع باین است که این محکمه چطور تشکیل میشود. بنده راجع باین موضوع هم همان عقیده را دارم و این عبارت یک عبارت کنس- دارینست که در این جا نوشته شده که هر گاه قیمت قندوچای قابل شده را نشود معین نمود جزای نقدی کمتر از پانصد تومان نخواهد بود.

فرض بفرمائید یک نفر مسافر آمد و بلنچارک قند داشت می گویند این را تو چاقاق وارد کرده و پانصد تومان جریمه باورنمائی می گیرد. فرض نمیکند چه بلنچارک صد من است یا جنس چاقاق را می گویند و ممکنست باین وسیله بیک تاجری تهمت بزنند که تو جنس چاقاق وارد کرده و پانصد تومان باید بدی. حقیقه این چیز غریبست که برای یک چارک قند مثلا پانصد تومان جریمه معین شود و علاوه بر این این مسئله بنظر من عملی هم نیست و عقیده دارم که قسمت آخر از عبارت (علاوه از مرتکب و کسانیکه شرکت در نقض قانون نمایند تا آخر ماده) زائد است و باید حذف شود و بنده باین قسمتش مغالط می گویم. اولاً این قانون را با قانونی که راجع بدخانبات از مجلس گذشت نبشود یک فرض کرد بنده قسمت قسمت جواب فرمایش آقایان را عرض میکنم. اینکه فرمودند اگر یک کفتریک چارک سه چارک قند داشته باشد پانصد تومان جریمه باید بدی این دو موضوع یکمن و یک چارک دو من و سه من قند هیچوقت صدق نمی کند. چنانکه همان قانونی را که راجع بدخانبات گذرانید امروز آیا اگر کسی دو من تنباکو یا توتون سیگار توی خانه اش داشته باشد باو می گویند تو این را از کجا آورده ای؟ باید چیزی نیست دولت یک مالیاتی معین میکند و البته یک مجازاتی هم برای کسانی که از ادای مالیات استنکاف میکنند یعنی اشخاصیکه اجازه نامه نگرفته و بدون ادای مالیات بخواهند بگذرانند باید معین کنند که نتوانند بدون ادای مالیات از سرحد خارج کنند بعد وقتیکه بدست بنده و آقا میرسد آزاد است و البته نمیشود روی یکمن یا یک چارک قند باندرل الصاق شود

اینطور که نیست این برای این است که اگر کسی خلاف مقررات قانونا کرد باید یک مجازاتهای شدیدی برایش معین شود آقا میفرمایند من با قسمت آخر ماده مخالفم در صورتیکه در قسمت آخر ماده می نویسد اگر مرتکب یکی از مستخدمین دولت باشد آنوقت یک مجازاتهای معین میکند از خودتان سؤال میکنم اگر برای مستخدمین دولتی مجازات نباشد آیا می توان تأمین داشت که این قانون همانطوری که اینجا وضع میکنیم همانطور اجرا شود؟ اینطور نیست ممکنست فردا در موقع عمل طوری گرفتار محظورات بشویم که در همان موقع مجبور شویم یک ماده قانونی برای آن وضع کنیم و بعقیده بنده باید راجع بمجازات در این ماده یک چیزهای سختتری معین کرد و این اندازه حد اقلی است که برای متغلف معین شده

رئیس - آقایان کازرونی (اجاره) کازرونی - مطالبی را که میخواستم عرض کنم رقیب محترم من آقای حائری زاده اظهار داشتند بنده هم حتی امکان نمی خواهم آنها را تکرار کنم و ضرر ندارد که در تحت عنوان سؤال از آقای مخبر محترم سؤال کنم که در این قانون مجازاتی را که در اینجا قائل شده آیا فقط از روی صرف تصور همینطور سرفلم جاری شده که پانصد تومان باشد؟ چرا کمتر نشد؟ یا چرا هزار تومان معین نکردند بنده این را نفهمیدم آیا هیچ قانونی در دنیا وجود ندارد که درین چاشما برای مجازات و ترتیب معاینه متکی به آن قانون بشوید؟ فقط همینطور یک مرتبه سرفلم جاری شده پانصد تومان جریمه بدی؟ بسیار خوب اگر معلوم نشد قند و شکر چقدر است یا پانصد تومان جریمه بدی؟ میفرمایند که این قانون با قانون دغانبات یکی نیست. البته بنده و آقای حائری زاده و سایر آقایان نمایندگان بلکه همه مردم میدانند که این قانون انحصار قند است و ربطی بقانون دغانبات ندارد. اگر مقصود این است که همه میدانند ولی مقصود ایشان این است که این چاشما یک ماده برای مجازات کسانی که مرتکب چاقاق شده اند معین شده و همچنین در آن قانون برای معاینه کسانی که متهم بقاقاق هستند ترتیبی معین شده او هم یکی از مسائل مهمه است که اگر درست اداره شود ممکن است سالی چهار پنج میلیون عایدی داشته باشد و یک اثرات فوق العاده هم در وضعیت ما کرده باشد و بکنند من متعجب می کنم یعنی نمی فهمم (کلمه تعجب رایس گرفت) نمی فهمم چه دلیل داشت که در آن جا باید اینطور و در این جا باید این طور قائل شویم؟ فردا هم یک قانونی میگذرانیم راجع بکبریت که با خود کبریت باید آتش بزنیم چرا باید قانونیکه وضع میشود طوری باشد که در هر قانونی یک مجازاتی باشد؟ بلی باید مجازات باشد تا کسی چاقاق نکند ولی نه اینطور، قانون بایستی متکی بیک چیز هائی باشد متوجه بیک اصولی باشد یکطوری باشد که اسباب تعجب مردم نشود و بالاخره بنده هم مثل رقیب محترم معتقدم که تعقیب معاینه متهمین بقاقاق بایستی همانطوری باشد که در توتون و تنباکو قائل شدیم

در این جا باید اصلاحاتی پیش نهادی هم تقدیم میکنم. منخبور - بنده که اظهارات نفهمیدم برای اینکه اظهاراتشان بود بربك مکرراتی که آن جز شده و جواب آنها هم داده شده آخر شروع میکنم که جواب بدی قسمت آخر یعنی همین دوره را ملاحظه فرموده اند زیرا می اگر مرتکب یکی از مستخدمین باشد علاوه بر مجازاتهای فوق مارا از خدمت دولت اخراج می یعنی اگر مستخدمی مرتکب شد علاوه بر مجازاتهای که معلوم شد برای سایرین از خدمت دولت هم مفتش از دور میاید و کشتی بود انداخته در دریا و معلوم هم شد که این شکر بوده اما وزنش معلوم نشد آنوقت پس از آنکه آمد و مرا گرفت اگر بگویم آقای مخبر در مجلس توضیح دادند که مقصود یکمن قند و شکر نبوده میگوید مخبر کی است؟ مخبر این قانون است بین قانون چه می گوید مقدارش را چون نمی توان معین کنم باید پانصد تومان جریمه بدی آنوقت کی بداد من رسد؟ آنها هم باین صراحت قانون را که در اینجاست نوشت و بعد گفت مقصود روز اول اینطور نبوده همانطوری که آقای بهجانی اظهار فرمودند ما که برای معانی رای نمی دهیم ما برای این الفاظ رای میدهیم که همه در خارج متناهی رابفهمند میفرمایند راجع بمجازات مستخدمین دولتی اگر فریز این اشد اسباب زحمت می شود بنده معتقدم که اگر چنانچه یک نفر مستخدم دولت واقعا شریک شود با چاقاقچی ها این دیگر ربطی بدولت ندارد این آدم خائن است آنوقت شما آمده اید اینجا بیک مجازاتی را برایش در نظر گرفته اید که از خدمت دولت معاف باشد این چه اهمیتی دارد؟ بعد از اینکه سی سال مثلا خدمت کرده و حقوق تقاعدتقا و همه چیز هم برایش قائل شده اید باید اینکه حقوق تقاعدتقا هم بخش نمیدید می گویند فقط دیگر خدمت نکن میگویند بسیار خوب دیگر چه خدمت کند و زحمت بکشد میرود فی امان الله و خدمت هم نمیکند و حقوق هم نمیگیرند این چندان اهمیتی ندارد بنده عقیده ام اینست که باید دو سال سه سال حبس برایش قائل شویم که شریک دزد و رقیب قائله نشود در هر صورت بنده معتقدم که

(اجازه) کازرونی - بنده هم عرضی ندارم رئیس - مخالفی ندارد؟ شریعت زاده - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید شریعت زاده - بنظر بنده در این قانون یک موادی منضم شده است که اصلا ضرورت ندارد ولی چون متأسفانه موقعی برای بنده بدست نیامد و آقایان قبل از من مخالف و موافق بقدر کفایت صحبت کردند نوبت به بنده نرسید که صحبتی بکنم. یکی از موادی که بعقیده بنده ضرورت ندارد این ماده پنج است. اساساً نظردر این قانون این است که در داخله مملکتی از حثت وارد کردن و خارج کردن تجارت قند و چای و شکر اختصاص بدولت داشته باشد بنابراین قند و چای و شکر یکی که بطور ترانزیت از مملکت عبور می کند و مسئله ترانزیت هم به موجب یک قوانین خاصی است هیچ ضرورت ندارد که در آنجا که مردم را مجرم میکند. بدیهی است این قانونی که دولت پیش نهاد کرده نسبت باشیائی که بطور ترانزیت از سرحد عبور میکند شاید اجرا بشود و اساساً لزومی ندارد که در مجلس در آن شور و شویا اینکه در این قانون ذکر شود زیرا بموجب قوانین ترانزیت تکلیف آن اشیا معلوم است وزیر فوئاداعامه - نظریه اینکه در این قانون یعنی ماده دوم خرید و فروش و حمل و نقل و صدور کلیه قند و چای و فلان را منحصراً بدولت کرده و این مسائل را برای دیگران منع کرده و ترانزیت هم یک نوع ورودی است که باید وارد شود و بعد بیک خاک دیگر صادر بشود لهذا برای اینکه تشخیص بشود و به اعتبار ماده دو آن اشیا گرفته نشود و مؤسسه دولتی جلو گیری نشود توضیح این مطلب ولو اینکه واضح هم باشد لازم است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - ماده شش (بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۶ - دولت مجاز است که قند و شکر و چای را پیش از احتیاجات مملکتی برای ورود به ایران حمل می شود خریداری نموده و اجازه ورود آنها را بدهد رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - این ماده با آن ماده دوم که نوشته شده به فریز توسط مؤسسه انحصاری قند و چای منوع می باشد مگر

پس از تحصیل اجازه از وزارت مالیه و صدور این اجازه بدون هیچ نوع تبعیضی بعمل خواهد آمد متناقض دارد در این جا بدولت اجازه داده که پیش از احتیاجات مملکتی که برای ورود بایران حمل می شود قند و چای و شکر هم نهد در صورتیکه ممکن است یک دسته چلو تر رفته باشند و بقدر احتیاجات مملکت جواز از دولت گرفته باشند آنوقت سایر تجار وقتی که بخواهند جواز بگیرند دولت میگوید بقدر احتیاجات مملکتی جواز گرفته شده و دیگر محتاج نیست آنوقت بنده که می خواهم متلاجهار خروار جواز بگیرم باید بروم خدمت آن آقائی که روابطش بدولت خوب بوده و اجازه گرفته التماس کنم و یک من و قران هم بدهم که مرا با خود شریک بدی و اجازه بدی که من از حق جواز او استفاده کنم این یک چیزی است که کلیه تجارت را انحصار میدهد بیک دسته خارجی و سایر مردم را مجرم میکند. بدیهی است این قانونی که دولت پیش نهاد کرده نسبت باشیائی که بطور ترانزیت از سرحد عبور میکند شاید اجرا بشود و اساساً لزومی ندارد که در مجلس در آن شور و شویا اینکه در این قانون ذکر شود زیرا بموجب قوانین ترانزیت تکلیف آن اشیا معلوم است وزیر فوئاداعامه - نظریه اینکه در این قانون یعنی ماده دوم خرید و فروش و حمل و نقل و صدور کلیه قند و چای و فلان را منحصراً بدولت کرده و این مسائل را برای دیگران منع کرده و ترانزیت هم یک نوع ورودی است که باید وارد شود و بعد بیک خاک دیگر صادر بشود و به اعتبار ماده دو آن اشیا گرفته نشود و مؤسسه دولتی جلو گیری نشود توضیح این مطلب ولو اینکه واضح هم باشد لازم است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) کازرونی - بنده خیلی دوست می داشتم اگر مذاکراتی در جلسه پیش و در این جلسه از اول تا آخر شده این ها را مقابل هم می گذاشتیم و با هم تطبیق میکردیم به بینیم یک تعارضی مابین آنها هست؟ بعقیده بنده کاملاً تعارض هست روحی - بفرمائید کازرونی - حالاً عرض می کنم مذاکرات هم کافی نیست اولاً متناقض است با آنجائی که گفته می شود بدون تبعیض اجازه ورود به اشخاص داده میشود آنجا می گویند بدون تبعیض میدهم این جامی گویند اگر دام خواست میدهم اگر نخواست نمیدهم خلاصه اش این است میگوید بقدر احتیاجات مملکت اولاً احتیاجات مملکت یک چیز مسلم است مستقلی نیست و ثانیاً اگر بطور محدود و بقدر احتیاجات مملکت فقط و فقط در مملکت موجود شد آنوقت همیشه اوقات بایستی تجار و کسبه یک تومان بر قیمت عادلانه قند بیفزایند و بفروشند زیرا بالاخره باید ذر نظر گرفت که ممکن است یک مؤسسه ای در دنیا باشد که از نقطه نظر حمایت تجارت خودشان موافق نباشند هیچ نوع تاسیساتی که بنبغ مملکت ما است ایجاد بشود بنابراین باید بدوای حربه داد که در مقابل آنها دفاع بکنند و این راهم فقط مقامقنن میتواند معین نماید که دولت ایران پیش از حمل و نقل قند و چای و این ماده بنظر بنده از نقطه نظر انحصار بهترین ماده

قصد از این ماده چیست؟ قصد این است که بنده این که مطابق این لایحه که از مجلس میگذرد در مقدار قند و چای که وارد خاک ایران شود متعلق بیدامی کند و سات انحصاری دولت؟ در این صورت مؤسسه انحصاری مکلف است بقدر حالاً اگر یک کسی بایک تاجری بایک سرمایه داری یا تجارتخانه بایک دولتی خواست که با سرمایه خودش این مؤسسه دولتی را نابود کند چه میکند؟ می آید سه مقابل چهار مقابل احتیاجات مملکت قند وارد می کند. . . شیروانی - وارد نمی کند وزیر فوئاداعامه - اجازه بدیید من عرضم را بکنم بعد بفرمائید وارد نمی کند. در این صورت اگر این ماده نباشد مؤسسه مجبور است تمام این قند را بخرد چرا؟ برای اینکه یک ماده نیست که فردا بموجب آن دولت از خرید آن منوع باشد و بنابراین نه از حثت سرمایه ونه از حثت احتیاجات مملکت این مسئله برای دولت ممکن نیست و به فرض خریداری انبار میشود و بالطبع بعد از یک سال دولت ورشکست می شود و این ماده برای این است که اگر یک کسی خواست باین مؤسسه انحصاری دولت صدمه بزند دولت ایران حق داشته باشد بگوید مطابق فلان ماده از قانون بمن اجازه داده شده است که فقط باندازه احتیاجات مملکت قند بخردم و بیش از این نمی توانم وزیادی آورده اید در سرحد بماند برای سال دیگر آن وقت اگر احتیاج پیدا شد میخریم مسئله این نیست که یک کسی برود چهار من قند بخرد و بیاید و مامور دولت آن را ضبط نماید. خیر آقا: مطلب خیلی بزرگتر و مهمتر و عمیق تر و وسیع تر از این است که تصور می فرمائید زیرا بالاخره باید ذر نظر گرفت که ممکن است یک مؤسسه ای در دنیا باشد که از نقطه نظر حمایت تجارت خودشان موافق نباشند هیچ نوع تاسیساتی که بنبغ مملکت ما است ایجاد بشود بنابراین باید بدوای حربه داد که در مقابل آنها دفاع بکنند و این راهم فقط مقامقنن میتواند معین نماید که دولت ایران پیش از حمل و نقل قند و چای و این ماده بنظر بنده از نقطه نظر انحصار بهترین ماده

